یادداشت

وقتی اپلیکیشن بالا نمی‌آید، شاغل سکویی چه پشتوانه‌ای دارد؟

بیمه برای روزهای خاموشی



محمدرحیم مهدی‌نژاد
کارشناس و مشاور حقوق کار و تأمین اجتماعی و پژوهشگر مقررات بیمه‌ای

محل کار این آدم‌ها آدرس ثابتی ندارد؛ گاهی با قطع یک اتصال بسته می‌شود. راننده آماده است، خودرو سالم است و خیابان باز؛ اما اپلیکیشن بالا نمی‌آید. پیک می‌تواند کار کند، ولی سفارشی نمی‌رسد. مترجم و طراح و برنامه‌نویس پروژه دارند، اما راهشان به مشتری، فایل یا درگاه پرداخت بسته است. در همه‌گیری کار هست، اما ادامه‌اش سلامت شاغل و خانواده‌اش را تهدید می‌کند. در جنگ یا سیل هم نه قراردادی تمام شده و نه شاغل خواسته کار را رها کند؛ فقط امکان کسب درآمد برای مدتی از بین رفته است. این افراد لزوما «بیکار» به معنای حقوقی نیستند، اما برای خانواده‌ای که درآمدش روزانه است، نتیجه یکی است: درآمد قطع شده. پس پرسش بیمه شاغلان سکویی فقط این نیست که چه کسی بیمه شود و سهم سکو چقدر باشد؛ پرسش مهم‌تر این است: روزی که امکان کار خارج از اراده شاغل از بین می‌رود، نظام بیمه چه می‌کند؟

قانون هست؛ حمایت هنوز روشن نیست

دیگر نمی‌توان گفت قانون ساکت است. بند «چ» ماده ۲۸ برنامه هفتم، آیین‌نامه اجرائی آن و سند «ساماندهی بازار کار متناسب با تحول مشاغل فضای مجازی» بخشی از چارچوب تازه‌اند. اما داشتن مقرره با داشتن حمایت مؤثر یکی نیست. تا ۲۷ مهر ۱۴۰۵، در منابع رسمی مورد بررسی نه دستورالعمل نهایی سکوهای خدمات‌محور احراز شد و نه سازوکاری که اجرای گسترده نظام تازه یا فعالیت صندوق مستقل را نشان دهد. پس هر دو گزاره افراطی نادرست است: نه «هیچ کاری نشده» و نه «نظام حمایتی مستقر است».

نخست باید دانست شاغل کیست

شاغل سکویی سه چهره دارد: راننده‌ای که ممکن است مشمول قانون خاص بیمه رانندگان باشد، کارگری که در عمل سفارش و شرایط کارش زیر کنترل سکو است و آزادکار مستقلی که سکو فقط او را به مشتری وصل می‌کند. این تفاوت تعیین می‌کند چه کسی مسئول بیمه‌پردازی است و شاغل در برابر حق بیمه چه حقی پیدا می‌کند. قرارداد دیجیتال یا گردش پول برای ساختن رابطه کارگری کافی نیست؛ برچسب «همکار مستقل» هم رابطه کار واقعی را از آثار قانون کار خارج نمی‌کند.

دادنامه ۱۸۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری همین نکته را از زاویه‌ای محدود نشان می‌دهد: اطلاق مطالبه حق بیمه از راننده خودمالکی که خارج از رابطه کار و طبق قانون خاص بیمه می‌پرداخت، ابطال شد. این رأی حکم همه فعالیت‌های سکویی نیست، اما پیامش روشن است: پیش از مطالبه حق بیمه باید ماهیت رابطه روشن شود. از آن سو، اگر کسی واقعا برای دو کارفرما کار کند، ماده ۳۴ قانون تأمین اجتماعی هر کارفرما را نسبت به مزدی که می‌پردازد مکلف می‌داند. پس پرداخت از دو محل همیشه «مضاعف» نیست. وضعیت سوم هم هست: کسی که صبح کارمند بیمه‌شده است و عصر مستقل از سکو درآمد دارد. بند «چ» مسیر ویژه را برای کسانی می‌خواهد که بیمه بازنشستگی ندارند؛ پس باید معلوم شود چنین فردی اصولا کجا قرار می‌گیرد. مقاوله‌نامه ۱۹۳ سازمان بین‌المللی کار هم بر پایه متن، تعیین وضعیت اشتغال را به واقعیت انجام کار و پرداخت پیوند می‌دهد و در ماده ۱۲ دسترسی شاغلان پلتفرمی به تأمین اجتماعی را با شرایطی نه نامساعدتر از دیگران می‌خواهد.

بحران از جایی شروع می‌شود که سفارش نمی‌آید

قانون بیمه بیکاری با مفهوم بحران بیگانه نیست. تبصره ۲ ماده ۲ برای بیمه‌شدگانی که به سبب حوادث قهریه‌ای مانند سیل، زلزله، جنگ و آتش‌سوزی بیکار می‌شوند، مسیر استفاده از مقرری را پیش‌بینی کرده است. اما همان قانون صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری را از شمول خارج کرده است. نتیجه این دو حکم کنار هم روشن است؛ اگر راننده یا پیک واقعا کارگر و بیمه‌شده اجباری باشد و سایر شرایط را داشته باشد، در برابر بعضی بحران‌ها اصولا مسیری هست. اگر مستقل شناخته شود و از سازوکاری غیراستخدامی بیمه بپردازد، مقرری بیمه بیکاری را نمی‌توان خود به خود به او تسری داد. عنوان حقوقی فقط موضوع بحث دانشگاهی نیست؛ ممکن است تعیین کند کسی در روز بحران حمایت دارد یا ندارد.

کرونا نشان داد «انتخاب کارکردن» همیشه انتخاب نیست

سازمان بین‌المللی کار در گزارش «چشم‌انداز اشتغال و مسائل اجتماعی جهان ۲۰۲۱» (منتشرشده در ۲۳ فوریه ۲۰۲۱) که به نقش سکوهای کار دیجیتال می‌پردازد، آثار کرونا بر رانندگان تاکسی و پیک‌ها را هم بررسی کرد. در پیمایش آگوست ۲۰۲۰ از ۳۴۸ راننده تاکسی و پیک در شیلی، هند، کنیا و مکزیک، ۳۲ درصد گفتند با وجود نگرانی جدی از ابتلا، از سر ضرورت اقتصادی کار را ادامه داده‌اند. درآمد ۹ نفر از هر ۱۰ راننده تاکسی و هفت نفر از هر ۱۰ پیک در کشورهای بررسی‌شده کاهش یافته بود و هفت نفر از هر ۱۰ نفر گفتند در صورت ابتلا جبران درآمد یا مرخصی استعلاجی با حقوق ندارند. نمونه کوچک است و نماینده همه شاغلان پلتفرمی جهان یا ایران نیست؛ اما الگو آشناست: وقتی توقف کار یعنی توقف درآمد، «کارنکردن» همیشه یک انتخاب واقعی نیست.

قطع اینترنت؛ وقتی ابزار کار از دسترس خارج می‌شود

در ایران ریسک دیگری هم هست: اختلال یا قطع گسترده اینترنت. برای بسیاری از مشاغل سنتی اینترنت ابزار کمکی است؛ برای راننده اینترنتی، فروشنده آنلاین، مدرس مجازی یا فریلنسر، اتصال شبکه بخشی از خودِ زیرساخت کار است.

آسوشیتدپرس در گزارشی مورخ ۱ می ۲۰۲۶ درباره تعطیلی چندماهه اینترنت ایران و فشار آن بر کسب‌وکارها، از آثار قطع بر درآمد مشاغل آنلاین نوشت. بر پایه این گزارش، وزیر ارتباطات گفته بود حدود ۱۰ میلیون شغل به اتصال اینترنت وابسته است و یکی از اعضای اتاق بازرگانی هزینه مستقیم قطعی را ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار در روز برآورد کرده بود؛ این دو عدد گفته‌های گویندگان هستند و باید همان طور نقل شوند. فروشندگان، فعالان تبلیغات و فریلنسرهایی که در گزارش آمده‌اند از افت شدید یا توقف عملی درآمد گفته‌اند. در چنین روزی ممکن است شخص از نظر حقوقی همچنان شاغل باشد، قرارداد او برقرار و حسابش فعال باشد، ولی نتواند درآمدی کسب کند. این وضعیت چیست: بیکاری؟ تعلیق فعالیت؟ حادثه قهریه؟ اختلال زیرساخت؟ قوانین موجود به همه این حالت‌ها پاسخ روشن ندارند و قطع اینترنت را بدون نص قانونی نمی‌توان خودبه‌خود جزء حوادث قهریه موضوع بیمه بیکاری گذاشت. مقررات بیمه شاغلان سکویی باید تکلیف این وقفه اجباری فعالیت را روشن کند؛ خلأ حقوقی واقعیت اقتصادی را از بین نمی‌برد.

جنگ، همه‌گیری، زلزله و قطع اینترنت از نظر حقوقی یکی نیستند؛ منشأ و مسئولیتشان فرق دارد. برای شاغل سکویی اما اثری مشترک دارند: وقفه‌ای در فعالیت که انتخاب او نبوده است. سند ساماندهی از حمایت در دوره‌های کاهش فعالیت ناشی از «اختلالات سکو» نام می‌برد؛ این شروع خوبی است، ولی پاسخ نمی‌دهد وقتی سکو سالم است و شبکه یا مسیر بسته می‌شود چه می‌شود؟

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید



ضرورت جلوگیری از تضعیف اختیار دولت در مدیریت درآمدهای ارزی

وقت خداحافظی با تراستی‌ها فرا رسید؟

سال‌ها پس از آنکه تحریم‌ها، تجارت نفت ایران را به شبکه‌ای پیچیده از واسطه‌ها و شرکت‌های موسوم به تراستی وابسته کرد، اکنون پرسش مهم‌تری پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار گرفته است: آیا سازوکاری که قرار بود راهکاری موقت برای عبور از محدودیت‌های بین‌المللی باشد، خود به مانعی در مسیر مدیریت منابع ارزی کشور تبدیل شده است؟ افزایش ابهام درباره درآمدهای نفتی، دشواری نظارت بر عملکرد واسطه‌ها و تمرکزبخشی از جریان فروش و وصول ارز در اختیار مجموعه‌هایی خارج از ساختار رسمی، ضرورت بازنگری در این الگو را بیش از گذشته مطرح کرده است. در این میان، برخی کارشناسان معتقدند راه‌حل را نباید صرفا در تغییر تراستی‌ها یا افزایش نظارت بر آنها جست‌وجو کرد، بلکه باید به سمت رسمی‌سازی و تمرکز مدیریت فروش نفت و ایجاد ساختارهای پرداخت قابل اتکا حرکت کرد؛ تغییری که آثار آن می‌تواند فراتر از اقتصاد، به مناسبات سیاسی و بین‌المللی ایران نیز گسترش یابد.

راهکاری که به مسئله تبدیل شد

گسترش نقش تراستی‌ها در فروش نفت ایران را باید یکی از پیامدهای مستقیم محدودیت‌های ناشی از تحریم دانست. دشواری دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی، محدودیت در مبادلات مالی و مشکلات مربوط به حمل‌ونقل و بیمه، زمینه شکل‌گیری ساختارهایی را فراهم کرد که وظیفه تسهیل فروش نفت و جابه‌جایی درآمدهای حاصل از آن را بر عهده گرفتند. اگرچه چنین سازوکاری در دوره‌هایی به استمرار صادرات کمک کرده، مسئله اساسی آن است که استفاده طولانی‌مدت از واسطه‌ها به‌تدریج جایگزین اصلاح روابط رسمی تجاری و بانکی شده است. در ماه‌های اخیر، انتشار گزارش‌هایی درباره واگذاری محموله‌های بزرگ نفتی به تعدادی محدود از تراستی‌ها و ابهام در وضعیت وصول درآمدهای آنها، بار دیگر این ساختار را در معرض پرسش قرار داده است. در یکی از موارد بحث‌برانگیز، موضوع واگذاری ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار تراستی در رسانه‌ها و اظهارات برخی نمایندگان مجلس مطرح شد؛ موضوعی که درباره نحوه انتخاب طرف‌های معامله و تضامین مالی آنها پرسش‌هایی ایجاد کرده است. با این حال، حتی اگر تمامی مطالبات مربوط به این معاملات وصول شود، پرسش بنیادی همچنان باقی می‌ماند: آیا ادامه مدیریت فروش نفت از مسیر شبکه‌ای از واسطه‌های متعدد، بهترین راه برای حفظ منافع اقتصادی کشور است؟

فروش رسمی نفت، پیش‌شرط ایجاد نظام پرداخت رسمی

در میان دیدگاه‌های کارشناسی درباره اصلاح ساختار تجارت خارجی ایران، اظهارات مجید شاکری، پژوهشگر اقتصاد بین‌الملل، از آن رو اهمیت دارد که مسئله فروش نفت را به ساختار پرداخت و مناسبات اقتصادی ایران و چین پیوند می‌زند. شاکری معتقد است بدون رسمی و متمرکزشدن فروش نفت ایران به چین و بدون تنوع مبادی واردات کالای اساسی، امکان ایجاد ساختار رسمی پرداخت نیست. این گزاره به یکی از ضعف‌های مهم ساختار تجارت خارجی ایران اشاره دارد. مسئله فقط چگونگی فروش نفت نیست، بلکه مسیر استفاده از منابع حاصل از فروش نیز اهمیت دارد. هنگامی که فروش نفت از طریق واسطه‌های متعدد انجام می‌شود و هم‌زمان تأمین بخشی از کالاهای مورد نیاز کشور نیز به مسیرهای غیرمستقیم وابسته است، ایجاد یک نظام پرداخت منسجم میان کشورها دشوارتر خواهد شد. در چنین شرایطی، حتی درآمدهای حاصل از صادرات نیز لزوما به منابعی با قابلیت مدیریت مستقیم از سوی بانک مرکزی تبدیل نمی‌شوند. بخشی از این منابع ممکن است در قالب اعتبارات تجاری، تهاتر یا پرداخت به اشخاص ثالث مورد استفاده قرار گیرد. از این منظر، پیشنهاد رسمی‌سازی فروش نفت صرفا تغییری در ساختار شرکت‌های فروشنده نیست، بلکه بخشی از اصلاح گسترده‌تر نظام تجارت خارجی و تسویه مبادلات ایران محسوب می‌شود.

وقتی واسطه‌ها به بازیگران مناسبات سیاسی تبدیل می‌شوند

بخش دیگری از اظهارات کارشناسانی همچون شاکری، پیامدهای سیاسی ساختار کنونی را برجسته می‌کند؛ چراکه عملا بدون فروش رسمی و متمرکز نفت، اولویت آمریکا مذاکره با تراستی‌های ایران به‌جای دولت مرکزی و بانک مرکزی است. این ارزیابی، فارغ از میزان تحقق آن در عمل، مسئله‌ای مهم را مطرح می‌کند: تمرکز منابع مالی و ارتباطات تجاری در اختیار شبکه‌های واسطه، ممکن است علاوه بر تغییر مناسبات اقتصادی، بر جایگاه نهادهای رسمی در تعاملات خارجی نیز اثر بگذارد. هرچه سهم اشخاص و شرکت‌های واسطه در مدیریت جریان درآمدهای نفتی افزایش یابد، اهمیت آنها در مناسبات تجاری و مالی نیز بیشتر می‌شود. این وضعیت می‌تواند میان مسئولیت قانونی دولت و میزان اختیار عملی آن در مدیریت منابع ارزی فاصله ایجاد کند. البته تعامل آمریکا با شبکه‌های مالی مرتبط با تجارت نفت ایران، به‌ویژه در چارچوب سیاست تحریم، لزوما به معنای جایگزینی مذاکره با این شبکه‌ها به‌جای مذاکرات رسمی دولت‌ها نیست. با این حال، نگرانی مطرح‌شده از سوی این کارشناسان نشان می‌دهد ساختار فروش نفت می‌تواند پیامدهایی فراتر از درآمد و هزینه تجاری داشته باشد.

اقتصاد غیرشفاف و مسئله پاسخ‌گویی

حسین راغفر، اقتصاددان، نیز در اظهارنظری درباره عملکرد تراستی‌ها، مسئله را به ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی و نفوذ شبکه‌های غیررسمی مرتبط دانسته است. راغفر در گفت‌وگویی که اخیرا از سوی خبرگزاری ایلنا منتشر شد، بر نقش شبکه‌های ذی‌نفوذ در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید کرده و نبود شفافیت در قراردادهای نفتی و انتخاب طرف‌های تجاری را از زمینه‌های بروز فساد و دشواری پیگیری تخلفات دانسته است.

این دیدگاه از آن رو اهمیت دارد که مسئله تراستی‌ها را از سطح عملکرد چند شرکت فراتر می‌برد. اگر نحوه انتخاب واسطه‌ها، سقف اعتبارات تخصیص‌یافته، تضامین دریافت‌شده و مسئولیت نهایی وصول مطالبات روشن نباشد، تغییر اشخاص به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده اصلاح ساختار باشد. از سوی دیگر، تمرکز بر تخلفات احتمالی برخی واسطه‌ها نباید جایگزین بررسی مسئولیت مدیران و نهادهایی شود که مجوز واگذاری محموله‌ها را صادر کرده‌اند. شفافیت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که زنجیره تصمیم‌گیری، از انعقاد قرارداد تا وصول نهایی منابع، قابل بررسی باشد. در کنار پیامدهای مدیریتی، فروش نفت از مسیرهای غیررسمی هزینه‌های اقتصادی درخور توجهی نیز به همراه دارد. تخفیف‌های فروش، کارمزد واسطه‌ها، هزینه انتقال منابع و محدودیت در انتخاب خریدار، از عواملی هستند که می‌توانند درآمد خالص صادرات نفت را کاهش دهند. این موضوع اهمیت تمایز میان میزان صادرات و درآمد قابل استفاده را آشکار می‌کند. فروش روزانه مقادیر قابل توجهی نفت، زمانی می‌تواند دستاورد اقتصادی تلقی شود که منابع حاصل از آن با هزینه قابل قبول، در زمان مشخص و با امکان مدیریت مؤثر به اقتصاد کشور بازگردد.

رسمی‌سازی تجارت نفت؛ ضرورتی فراتر از تغییر فروشنده

در بحث اصلاح ساختار فروش نفت، یک سوءتفاهم باید برطرف شود: رسمی‌سازی به معنای نادیده‌گرفتن تحریم‌ها یا امکان بازگشت فوری به تمامی مسیرهای متعارف بانکی نیست. واقعیت آن است که محدودیت‌های بین‌المللی همچنان مانع مهمی در برابر تجارت رسمی نفت ایران محسوب می‌شوند. با این حال، میان استفاده از ابزارهای متناسب با شرایط تحریم و واگذاری مدیریت درآمدهای ملی به شبکه‌های واسطه، تفاوت وجود دارد. در الگوی اصلاح‌شده، شرکت ملی نفت و سایر نهادهای قانونی باید مسئولیت اصلی فروش، تعیین شرایط قرارداد و کنترل مطالبات را بر عهده داشته باشند. حضور احتمالی واسطه‌ها نیز باید به خدمات مشخص، قراردادهای محدود و تعهدات حسابرسی‌پذیر منحصر شود.

هم‌زمان همان‌گونه که شاکری مطرح کرده، تنوع‌بخشی به مبادی واردات کالاهای اساسی می‌تواند مکمل اصلاح نظام فروش نفت باشد؛ زیرا بدون تغییر در ساختار تأمین کالا و نحوه تسویه مبادلات، تمرکز فروش نفت به‌تنهایی برای ایجاد یک نظام پرداخت رسمی کافی نخواهد بود.

در این مسیر، توسعه روابط تجاری مستقیم با شرکای اقتصادی و تلاش برای ایجاد سازوکارهای تسویه بین‌دولتی، در کنار دیپلماسی رفع تحریم، می‌تواند بخشی از راهبرد اصلاح باشد؛ هرچند موفقیت چنین اقداماتی به همکاری طرف‌های خارجی و ملاحظات تحریمی وابسته خواهد بود.

آیا دولت آماده پایان دادن به وابستگی به تراستی‌هاست؟

باید توجه داشت مسئله امروز اقتصاد نفتی ایران، انتخاب میان فروش نفت و توقف صادرات نیست؛ مسئله، انتخاب میان تداوم یک ساختار پرهزینه و حرکت تدریجی به سمت نظامی رسمی‌تر و پاسخ‌گوتر است. چنین تغییری بدون اراده سیاست‌گذاری، هماهنگی وزارت نفت و بانک مرکزی و بازنگری در روابط تجاری با خریداران اصلی امکان‌پذیر نخواهد بود. نخستین گام می‌تواند انتشار گزارشی روشن از وضعیت مطالبات نفتی، نحوه انتخاب واسطه‌ها و میزان تعهدات ایفانشده باشد. گام بعدی نیز تدوین برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده برای انتقال مدیریت قراردادها و جریان درآمدها به ساختارهای رسمی است. در نهایت، تداوم صادرات نفت زمانی در خدمت منافع عمومی خواهد بود که دولت نه‌فقط مسئول فروش، بلکه پاسخ‌گوی تمامی مراحل وصول و مصرف درآمدهای آن نیز باشد. پرسش اساسی این است که آیا سیاست‌گذاران همچنان قصد دارند مشکلات ساختار تراستی‌محور را با جایگزینی واسطه‌ها مدیریت کنند، یا زمان آن رسیده که اصل این الگو مورد بازنگری قرار گیرد؟

تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد بحث رسمی‌سازی فروش نفت دیگر صرفا موضوعی فنی در وزارت نفت نیست؛ این مسئله با کیفیت حکمرانی اقتصادی، استقلال تصمیم‌گیری دولت و میزان دسترسی کشور به درآمدهای واقعی صادرات ارتباط پیدا کرده است. از این منظر، عبور تدریجی از وابستگی به تراستی‌ها می‌تواند نقطه آغاز اصلاحی بزرگ‌تر در ساختار تجارت خارجی ایران باشد.

آزمایشگاه مکانیک خاک، رگولاتوری می‌شود

احمد قالیباف، مدیرکل آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک استان تهران، از پیگیری‌ها برای تبدیل این شرکت به رگولاتوری و مرجعیت نظارت خبر داد و با تأکید بر اینکه هزینه برای ایمنی و کنترل کیفیت ساختمان نباید هزینه، بلکه باید سرمایه‌گذاری تلقی شود، گفت: باید فرهنگ کنترل کیفیت در ساخت‌وسازهای کشور ایجاد شود. روز گذشته در یک نشست خبری، احمد قالیباف، مدیرکل آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک استان تهران، با بیان اینکه آزمایشگاه مکانیک خاک قبل از اجرای هر پروژه‌ای حضور دارد و مطالعات فاز صفر و پهنه‌بندی را انجام می‌دهد، گفت: این آزمایشگاه حین اجرای پروژه، کنترل کیفیت را انجام می‌دهد و بعد از افتتاح پروژه نیز آزمایشگاه با تعیین مقاومت بتن‌ها و... تا انتها حضور دارد؛ یعنی آزمایشگاه پیش از یک پروژه و پس از آن حضور دارد و آزمایشگاه مکانیک خاک باید در کنار کارفرمایان و دستگاه‌های نظارتی باشد و صرف اینکه فقط آزمایش انجام شود، کافی نیست. او افزود: با وجود اینکه آزمایشگاه مکانیک خاک صد درصد دولتی است، ۷۵ درصد خدماتی که ارائه می‌دهد برای مشتریان بخش خصوصی است. قالیباف همچنین درباره تبدیل وضعیت آزمایشگاه مکانیک خاک از شرکت به سازمان حاکمیتی نیز گفت: موضوعی که همه‌ساله مورد توجه مراجع مربوطه قرار می‌گیرد، تبدیل وضعیت شرکت به سازمان حاکمیتی است. در این باره، با پیگیری‌های انجام‌شده، دولت برای این تغییر وضعیت موافقت ضمنی داشته که اگر ابلاغ شود، در استان تهران آزمایشگاه مکانیک خاک متولی بررسی و صلاحیت آزمایشگاه‌های خصوصی خواهد شد. او با اعلام اینکه این شرکت در مسیر رگولاتوری‌شدن قرار دارد، توضیح داد: این موضوع به هیئت دولت رفته و امیدواریم به‌زودی مصوبه آن ابلاغ شود. با این اتفاق، آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک به یک سازمان حاکمیتی و مرجع نظارتی، کنترل و پایش پروژه‌های عمرانی کشور تبدیل می‌شود و در واقع به‌نوعی قرار است آزمایشگاه از نقش کنترل کیفیت (QC) به تضمین کیفیت (QA) تغییر مأموریت دهد. مفهوم این تغییر آن است که به بخش خصوصی کمک کنیم تا جان بگیرد. در استان تهران حدود ۴۰۰ آزمایشگاه خصوصی وجود دارد که دارای گرید سازمان برنامه و بودجه یا سازمان نظام مهندسی ساختمان هستند و ما به رشد و توسعه آنها کمک می‌کنیم. قالیباف افزود: ما به عنوان بازوی دولت در پروژه‌ها حضور داریم و در حوزه‌هایی مانند آموزش، کنترل و کالیبراسیون تجهیزات به بخش خصوصی کمک می‌کنیم. همچنین آزمایش‌های غیرمخرب را انجام می‌دهیم؛ چراکه تجهیزات آزمایشگاهی مورد نیاز در تهران بیش از ۵۰ میلیارد تومان هزینه دارد و از نظر اقتصادی برای بخش خصوصی صرفه ندارد که این تجهیزات را خریداری کند. همچنین برای بخش خصوصی دوره‌های آموزشی برگزار می‌کنیم تا فعالان این بخش بتوانند رتبه خود را ارتقا دهند.

او درباره سهم این مجموعه از بازار گفت: ۷۵ درصد مشتریان آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک بخش خصوصی و ۲۵ درصد دولتی هستند. با این حال، در مجموع بیش از ۳۰ درصد سهم بازار را در اختیار داریم. آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک پروژه‌های ملی و بزرگ را اجرا می‌کند و به پروژه‌های کوچک ورود نمی‌کند.

خبر

۵۷ درصد مخازن سدها همچنان خالی است

حجم آب مخازن سدهای کشور تا دهم آبان به ۲۲میلیاردو ۵۸۰ میلیون مترمکعب رسید که نشان‌دهنده رشد ۳۰درصدی نسبت به سال گذشته است. به گزارش مهر، به نقل از شرکت منابع آب ایران، بر مبنای تازه‌ترین آمارهای این شرکت تا دهم آبان سال آبی ۱۴۰۵-۱۴۰۶، میزان آب انباشته‌شده در مخزن‌های سدهای سراسر کشور به ۲۲میلیاردو ۵۸۰ میلیون مترمکعب بالغ شد. این میزان در سنجش با دوره مشابه سال گذشته، از افزایشی معادل ۳۰ درصد حکایت دارد.

با وجود رشد ذخایر در مقایسه با پارسال، ارزیابی شرایط کنونی در قیاس با میانگین ۱۰ساله گویای آن است که حجم آب موجود در مخزن‌ها صرفا پنج درصد بالاتر از متوسط بلندمدت ایستاده است. افزون بر این، درصد پرشدگی مخازن سدهای کشور به حدود ۴۳ درصد بالغ شده و بیش از ۵۷ درصد از گنجایش سدها همچنان خالی مانده است. بررسی آمارهای مربوط به ورودی آب به مخزن سدهای کشور نشان می‌دهد از آغاز سال آبی جاری تا دهم آبان‌ماه، مجموع آب ورودی به سدها به یک‌میلیاردو ۹۱۰ میلیون مترمکعب رسیده است. این مقدار در بازه زمانی مشابه سال قبل یک‌میلیاردو ۱۱۰ میلیون مترمکعب و میانگین ۱۰ساله آن نیز یک‌میلیاردو ۷۲۰ میلیون مترمکعب ثبت شده بود.

بر همین اساس، ورودی آب به سدهای کشور در مقایسه با سال گذشته ۷۲ درصد و در قیاس با میانگین ۱۰ساله حدود ۱۰ درصد افزایش را ثبت کرده است. در همین فاصله زمانی، حجم آب خروجی از سدهای کشور به دو میلیاردو ۶۵۰ میلیون مترمکعب بالغ شده که در قیاس با مدت مشابه سال گذشته، با افزایشی شش‌درصدی روبه‌رو بوده است. تحلیل وضعیت سدهای کلیدی کشور نشان می‌دهد به رغم بهبود ذخایر در سطح ملی، شماری از مخزن‌ها کماکان با شرایط بحرانی و نامطلوبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سد دوستی واقع در استان خراسان رضوی با برخورداری از فقط یک درصد پرشدگی و ۱۵ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، یکی از وخیم‌ترین وضعیت‌ها را در میان سدهای مهم کشور به خود اختصاص داده است. سطح ذخایر این سد در مقایسه با میانگین ۱۰ساله، افت ۹۵درصدی را نشان می‌دهد. پس از آن، سد لار در استان تهران با دو درصد پرشدگی و ۲۳ میلیون مترمکعب ذخیره فقط دو درصد پر است. میزان ذخایر این سد نیز نسبت به میانگین ۱۰ساله، ۵۳ درصد کاهش یافته است. سد طرق در خراسان رضوی هم با برخورداری از فقط سه درصد پرشدگی و یک میلیون مترمکعب ذخیره آب، جزء دیگر سدهای با وضعیت نگران‌کننده به شمار می‌رود. حجم ذخایر این سد در مقایسه با متوسط ۱۰ساله، ۹۲ درصد افت داشته است.

سد بارادو در خراسان شمالی نیز با سه درصد پرشدگی و سه میلیون مترمکعب ذخیره آب، در شرایط نامناسبی قرار دارد. همچنین سد شمیل و نیان در استان هرمزگان با هشت درصد پرشدگی و پنج میلیون مترمکعب ذخیره آب، از دیگر مخازن کم‌آب کشور محسوب می‌شوند. در استان‌های تهران و البرز نیز وضعیت سدها یکدست نیست. سد امیرکبیر با داشتن ۱۲۰ میلیون مترمکعب ذخیره، حدود ۶۷ درصد پرشدگی دارد؛ در مقابل، سد لار با ۲۳ میلیون مترمکعب ذخیره فقط دو درصد پر است. درصد پرشدگی سدهای طالقان، لتیان و ماملو نیز به ترتیب ۳۷، ۲۷ و ۱۱ درصد اعلام شده است. به این ترتیب، سه سد لار، ماملو و لتیان کماکان فاصله زیادی با وضعیت مطلوب ذخایر آبی دارند. در سوی مقابل، برخی از سدهای کشور از شرایط مطلوب‌تری برخوردارند. در استان خوزستان، سدهای کارون، دز و کرخه به ترتیب دارای پرشدگی ۶۲، ۳۸ و ۴۰درصدی هستند. همچنین میزان پرشدگی سد مارون ۴۶ درصد گزارش شده است. در استان آذربایجان شرقی نیز سدهای خداآفرین، ستارخان، شهید کاظمی و بارون در محدوده رشد ذخایر نسبت به میانگین بلندمدت جای دارند.